

گروه اجتماعی و شناخت و عملکرد نهاد خانواده:

تعریف گروه:

گروه اجتماع واحدی است مرکب از دو یا چند نفر که در اثر «تعامل اجتماعی» با یکدیگر ارتباط دارند به عبارت دیگر، گروه جریان یا سلسه مراتبی است که در آن عمل یک یا چند انسان سبب تغییر عمل یک یا چند انسان دیگر می شود.

صفات گروه

پیوند گروه

طبق نظر «فسینجر» و دستیارانش، پیوند عبارت از انگیزش وسیع اعضاء برای تعلقات گروهی بوده و می توان گفت «نتیجه جمیع نیروهای انگیزشی در اعضاء برای باقی ماندن در گروه می باشد».

نتیجه پیوند

بقای عضویت: افزایش جاذبه گروه به موازات افزایش خواست اعضا برای احساس تعلق به آن است.

مشارکت: اگر گروه به عنوان یک سازمان تجاری یا کارخانه تجلی کند، احتمالاً میزان مشارکت آن به سمت حداقل تمایل کاری میل می کند. از آنجا که رضایت شغلی

شاخص برای ارزیابی مشارکت آنها به شمار می رود، این رضایت بخشی بایستی آنها را به اهداف سازمانی جلب کند.

حمایت روانی: پیوند گروهی مبانی حمایت عاطفی اعضا را فراهم می آورد. مدارک محدودی از تبیین رابطه میزان اطاعت اعضا از اشخاص جاذبه دار بلند پایه در گروه وجود دارد. اما بسیاری از تحقیقات نشان می دهند که اعضا گروه از مشارکت گروهی دچار احساس امنیت می شوند.

تاثیر فرهنگ بر نهاد خانواده:

چون فرهنگ، طرح زیر بنای شکل گیری ارزشها، نگرشها، فلسفه و شیوه زندگی خانواده است، سوابق قومی و فرهنگ به عنوان بخشی از شناخت خانواده اهمیت پیدا می کند. زیر آنچه برای گروهی از مردم صحیح است امکان دارد برای عده دیگری با همان سابقه نژادی- فرهنگی درست نباشد. بررسی و شناخت، تفاوتها و نیز شباهتهای خانواده را از نظر فرهنگی و نژادی معین می کند.

ارزشهای خانواده

ارزشهای خانواده بیشتر در رابطه با نگرش آنها نسبت به تفریحات، تندرستی آشکار می شوند. پرسش از خانواده در مورد این که چه تفریحاتی انجام می دهند کمکی است به تمرکز خانواده به روی وقت فراغت و آنچه برای آنها به عنوان تفریح مهم

است گاهی خانواده ممکن است به قدری در تداوم بقایش گرفتار باشد که اهمیت فراغت و تفریح را نبیند. در صورتی که والدین از جانب معلم یا مدیر مورد تهدید بوده و در نظام آموزشی کمتر موفق بوده اند، اغلب این را به فرزندانش منتقل می کنند و فرزندان نگرش مشابهی را می پذیرند و آموزش را بی ارزش می دانند اگر والدین تحصیل را مهم و هیجان انگیز تلقی کنند، فرزندانشان را نیز در این روشها سهیم خواهند نمود. خانواده هایی که آینده نگر هستند، معمولاً برای فرزندانشان دانشگاه یا تحصیلات بعد از دبیرستانی را طرح و برنامه ریزی می کنند. بچه هایی که والدینشان

تحصیلات دانشگاهی دارند، تمایل بیشتری به ورود به دانشگاه و فارغ التحصیل شدن از آن دارند، تا بچه هایی که والدین آنها به دانشگاه نرفته اند. ارزش نهادن به تداوم تندرست و خدمات پیشگیری معمولاً مشخصه بارزتری از نظر مثبت خانواده نسبت به سلامتی است تا مراقبت در هنگام بحران تمام خانواده ها در صورت وجود بحران یا یک بیماری حاد نسبت به سلامتی و بهداشت نظر مثبت دارند. اما ارزش نهادن به پیشگیری، مطلب دیگری است. اهمیتی که خانواده به مراقبت های پیشگیری، ورزش و تغذیه صحیح می دهد نشانگر ارزشهای خانواده در ارتباط با تندرستی است.

جامعه شناسی خانواده بعنوان یک گروه اجتماعی

تعریف خانواده:

مرداک (Murdock) خانواده را یک گروه اجتماعی خاصی می داند که دارای محل سکونت واحد، فعالیت اقتصادی مشترک و کارکرد تجدید نسل است. خانواده از نظر ملاکهایی که در تعریف آن به کار گرفته می شوند، تعاریف متفاوتی می توانند داشته باشد:

۱- ملاک نهادی - ساختی: خانواده نهادی است که از داخل اجتماع کل قرار گرفته و ارگانیک است که نظام آن به وسیله اجزای تشکیل دهنده اش حفظ می شود.

۲- ملاک ساختی - کارکردی: خانواده یکی از پاره نظامهای نظام کل اجتماع است که انجام پاره ای از وظایف را بر عهده دارد.

۳- ملاک روان شناختی: ویلیام گود خانواده را واسطه و حلقه رابطه فرد و اجتماع می داند و معتقد است که خانواده پناهگاهی است برای فرار از کشمکشهای زندگی اجتماعی.

۴- ملاک کنشی - کارکردی: خانواده واحدی است متشکل از تعدادی افراد که دارای کنش متقابل هستند در عین حال، خانواده بنا کننده وضعیت اجتماعی برای رفتار فرد است.

۵- ملاک کنش و نقش: به نظر ارنست برجس، خانواده واحدی است مرکب از افرادی که دارای کنش متقابل هستند. هر یک از آنان موقعیتی خاص در داخل

خانواده دارند که به وسیله تعدادی نقش دو یا چند جانبه مشخص می شود.

۶- ملاک رابطه و کارکرد: مک آیور معتقد است که خانواده عبارت است از

روابط جنسی معین و با دوامی که تولید اطفال و پرورش آنها را بر عهده دارد.

۷- ملاک رابطه: خانواده گاه به گروهی از افراد که روابط «زن و شوهری» یا «پدر

و مادر- فرزندی» میان آنها وجود دارد، اطلاق می شود.

به تعریفی دیگر، خانواده عبارت از گروه افرادی است که با هم زندگی می کنند و

روابط خویشاوندی و وابستگی یعنی بین آنها حکمفرماست و به بیانی دیگر،

خانواده سلول اولیه جامعه و مرکز روابط همزیستی، مشترک برای بر آوردن

نیازهای عمیقاً ریشه دار انسانی. در عرصه اجتماع است.

علل تشکیل خانواده

۱- مراعات دستوره‌های دینی و مذهبی

۲- عدم توانایی نوزاد برای ادامه زندگی مستقل

۳- طولانی بودن دوران کودکی انسان در مقایسه با سایر موجودات

۴- وجود نیازهای اقتصادی برای خوراک و پوشاک و مسکن و غیره.

۵- وجود نیازهای عاطفی و روانی فطری در انسان برای زندگی اجتماعی.

۶- وجود نوعی کشش و جاذبه فطری در انسان برای زندگی با جنس مخالف.

اهداف خانواده:

- حفاظت فیزیکی از اعضای خانواده
- اجتماعی کردن خانواده برای ایفای نقشهایی که در خانواده و سایر گروهها بر عهده دارد.
- حفظ انگیزش اعضای خانواده برای ایفای نقشهای خانوادگی و سایر نقشها.
- حفظ قراردادهای اجتماعی در خانواده و در بین اعضای خانواده و محیط خارج
- ازدیاد اعضای خانواده و تشکیل زندگی مستقل برای آنها پس از رسیدن به مرحله بلوغ.

ساخت خانواده:

مطالعه در تاریخ تحول خانواده نشان می دهد که از نظر ساخت و ترکیب اجتماعی، خانواده، انواع متفاوتی به خود دیده و در حال حاضر نیز اشکال آن در مراجع مختلف متعدد و متفاوت است. با توجه به زاویه نگرش، خانواده ممکن است انواع مختلفی داشته باشد:

از یک نظر می توان خانواده را به انواعی مانند «خانواده زیستی» (گروهی که شامل پدر و مادر و فرزندان می شود) و «خانواده آماری» (تعدادی از افرادی که با هم در زیر یک سقف و دور یک سفره غذا می خورند و در اقتصاد خانواده مشترک هستند) تقسیم بندی کرد.

از دیدگاهی دیگر، به نوع «خانواده جهت یابی» (خانواده ای که کودک در آن دنیا می آید بزرگ می شود و گرایش ها، نگرش ها و پایگاه اجتماعی خود را کسب می کند) و خانواده فرزند زایی (خانواده ای که کارکرد اصلی آن تولیدمثل و فرزند

آوری است تقسیم می گردد و بلاخره از زاویه ای دیگر خانواده را می توان به «هسته ای» گسترده با «ملحقات» و «ناقص» تقسیم بندی کرد)

الگوهای خانوادگی:

در دو گروه تک قطبی و دو قطبی می توان تقسیم بندی نمود. پدر و مادری که در تربیت فرزندان به گونه ای یکپارچه و متحد عمل می نمایند و انتظاراتی تقریباً یکسان و مشخصی از فرزندانشان دارند، یک مرکز مدیریت واحد را در کانون خانواده بوجود می آورند و کودکان در چنین محیطی به روشنی می دانند که دیگران از آنها چه انتظاراتی دارند و تطبیق دادن خود با شرایط موجود، امری مقدور و مطلوب خواهد بود. چنین خانواده هایی به خانواده های تک قطبی (هماهنگ) معروفند. مشارکت

عمیق و همه جانبه اعضاء خانواده در امور مختلف، تعادل در عواطف، توجه به اهداف ارزشمند، همگرایی همدلی، مثبت گرایی، رفتار عادلانه، اقدامات یکپارچه و صمیمی،

تمایل جدی برای ادامه زندگی، واقع بینی، اعتلای سطح عشق و محبت اشاره نمود.

در یک قطب پدر و در قطب دیگر مادر.

پدر و مادری که در سیاست های تربیتی فرزندان خود، از هماهنگی و وحدت نظر

لازم برخوردار نیستند و در چنین خانواده هایی معمولاً ارتباط اعضاء خانواده نادرست

و غیر انسانی، قاعده ها خشک و نامردمی و ناسازگار، و پیوند با اجتماع بسیار سست

و غیر اصولی پایه گذار گردیده است. تاثیر خانواده های دو قطبی در پیدایش مسئله ای

بنا تعارض در فرزندان بسیار موثر است.

وظایف و کارکرد خانواده:

۱- سنتی

۲- معاصر

الف- وظایف و کارکردهای خانواده سنتی:

۱- تولیدمثل: فرزند آوری و بزرگ کردن آنان در واقع مهمترین و اصلیتین

وظیفه خانواده در تمام جوامع، به ویژه جوامع سنتی بوده است.

۲- اجتماعی کردن کودکان: منظور از اجتماعی کردن روندی اجتماعی است که

در جریان آن کودک تحت تاثیر عوامل مختلف اجتماعی طوری تربیت

می شود که آداب و رسوم اجتماعی و حالات و عواطف و عقاید و افکار

صریح و ضمنی افراد جامعه را از آن خود می داند و موافق آنها عمل می کند

و رفتار او مورد قبول جامعه قرار می گیرد.

۳- دادن هویت اجتماعی: خانواده مهمترین نهادی است که بیش از هر نهاد دیگر

تحت تاثیر شیوه زندگی و پایگاه اجتماعی قرار دارد و ویژگیها و جهان بینی

طبقه و قشر معینی را به کودکان منتقل می کند.

۴- کارکرد اقتصادی: خانواده سنتی یک واحد و مرکز تولیدی است که زیر نظر

رئیس خانواده اداره می شود و قسمت اعظم تولیدش را خود مصرف می کند.

۵- حمایت از اعضای خانواده: اصولاً هر خانواده برای کودکان و اعضای خود

محل امن و پناهگاهی محسوب می شود که در ناملايمات و دشواریها بدان پناه

می برند.

۶- وظیفه تفریحی: معمولاً اوقات بیکاری افراد خانواده سنتی در داخل خانه و به

وسیله داستان گویی، قصه خوانی و سرگرمیهای دیگر سپری می شود.

۷- کارکرد آموزشی: خانواده در جوامع سنتی مرکز آموزش کودکان محسوب

می شود سابقاً سواد آموزی در خانواده هایی که از رفاه نسبی برخوردار بودند

در داخل خانواده انجام می شد بدین ترتیب که این خانواده ها برای بچه ها

معلم سرخانه می آوردند.

۸- حرفه آموزی: خانواده در جوامع سنتی پایگاه مهمی است برای حفظ و انتقال

تجارب حرفه ای جامعه

۹- کارکرد اخلاقی و مذهبی: در هر دوره تاریخی، خانواده ها کوشیده اند که

قواعد و مقررات اخلاقی مورد قبول جامعه را به فرزندان خود منتقل کنند و

آنها را متناسب و هماهنگ با زمان پرورش دهند.

۱۰- کارکرد جنسی: به نظر گروهی از صاحب نظران در موارد زیادی

کارکرد جنسی تنها وظیفه و هدف خانواده محسوب می گردد اصولاً خانواده

کانون مهر و الفت زن و شوهری و وسیله تامین محبت میان زن و مرد است

که به طریق اجتماع پسند یا شرعی و عرضی و قانونی با یکدیگر آمیزش و

همدلی پیدا کرده اند.

۱۱- کارکرد عاطفی: کودکان از سالهای آغازین حیات خود، در دوران

خانواده تحت مراقبتهای عاطفی و توجه و محبت والدین و اطرافیان خود قرار

دارند با وجود آنکه در جوامع مختلف سازمانهایی نظیر شیرخوارگاهها و پرورشگاهها و مهدکودکها ایجاد شده، اما هیچ فرد و سازمانی نتوانسته است وظیفه عاطفی برای مهر و محبت به فرزندان را به عهده بگیرد.

ب: وظایف و کارکردهای خانواده های معاصر.

۱- خانواده، دیگر یک موسسه و واحد تولید اقتصادی نیست بلکه بیشتر به شکل یک واحد مصرفی در آمده است.

۲- آموزش و پرورش به عهده موسسات آموزشی و تربیتی مانند مدارس و دانشگاهها و غیره گذاشته شده است.

۳- گروهها و سازمانهای ورزشی و تفریحی مانند میدانهای ورزشی، باشگاه، سینما، تئاتر و غیره وظایفی را انجام می دهند که در گذشته از کارکردهای خانواده محسوب می شدند.

۴- شیرخوارگاهها و مهدکودکهای زیادی برای نگهداری از کودکان در ساعات کار مادران تاسیس شده اند.

۵- برای سکونت و زندگی سالخوردگان موسساتی به نام «خانه سالمندان» ایجاد شده اند که وظیفه نگهداری و مراقبت از سالخوردگان را از دوش خانواده ها بر می دارند.

۶- سرانجام، توسعه ارتباطات و فرهنگ و تاسیس سازمانهای مختلف، کارکردهای

دینی و اخلاقی را از انحصار خانواده به در آورده اند.